

سه مجلس دینی

در موضوع «حمایت از حیات جنین»

در راستای درک منزلت جنین و قبح قتل آن



حجت الله
حاجی کاظم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

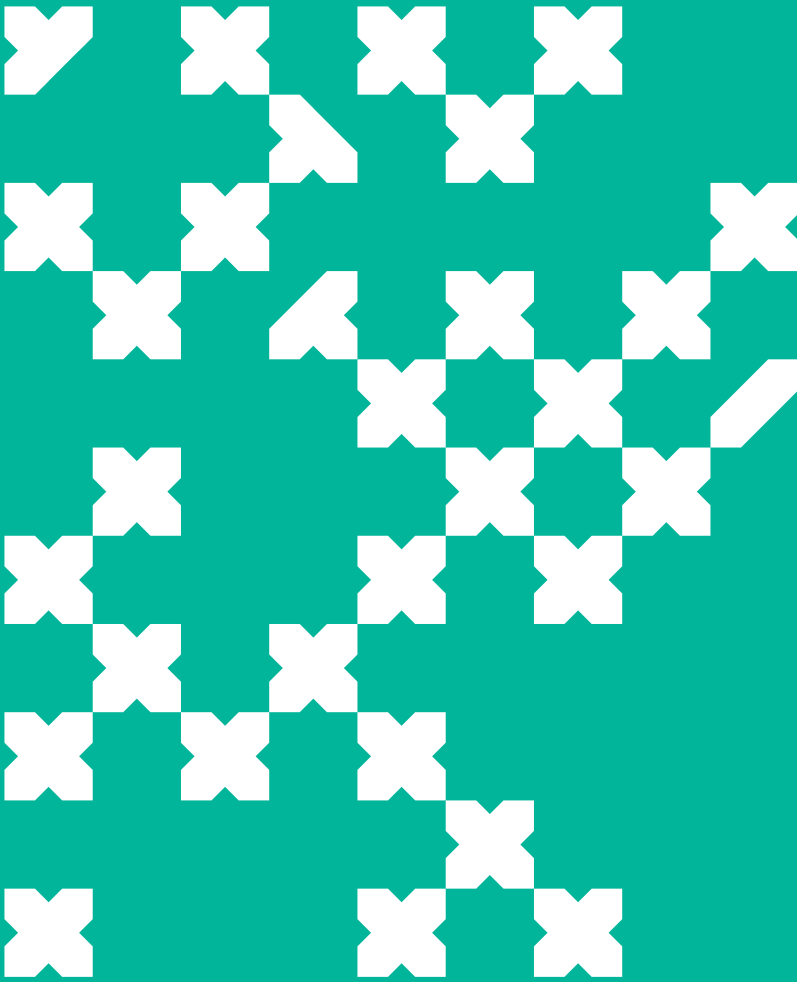
سه مجلس دینی
در موضوع «حمایت از حیات جنین»
در راستای درک منزلت جنین و قبح قتل آن



نویسنده: حجت الله حاجی کاظم







مجلس اول: نسبت جنین و انسان بودن

شناسنامه مجلس

موضوع: آیا جنین در سنین پایین، نسبتی با انسان بودن دارد؟

اندیشه اصلی: جنین از لحظه شکل‌گیری، دارای مرتبه‌ای از انسانیت است.

احساس اصلی: وجود جهالت آخرالزمانی در این موضوع، بی‌پناه بودن جنین

فاجعه جهانی امروز نسبت به جان جنین



یکی از فجایع امروز جهان ما، در خطر قرار گرفتن جان جنین‌های بی پناه است. بشر امروز به خاطر طمع‌هایش، به خاطر دور شدن‌هایش از تعالیم پیامبران (صلوات الله علیهم)، نسبت به رعایت حریم جان انسان‌ها غفلت کرده است. جان تکتک انسان‌ها نزد خدای بزرگ حرمت دارد و بی برکتی‌های امروز جهان، می‌تواند در اثر بی‌اخلاقی‌های بشر در این موضوعات باشد. سختی کشی زده‌ر چو سختی دهی به خلق در کیفر فلک، غلط و اشتباه نیست.^۱

تخمین زده شده است که در هر سال بین ۴۵ تا ۶۰ میلیون جنین به صورت عمدی در جهان کشته می‌شوند.^۲ یکی از دلایل مهم این فاجعه، آن است که احساس می‌کنند جنین‌ها، در سنین پایین، هنوز انسان نشده‌اند بلکه فقط بذرو منشأ انسان هستند. آیا این تصور صحیح است؟ حال می‌خواهیم ببینیم معارف ما درباره انسانیت جنین چه می‌گوید.

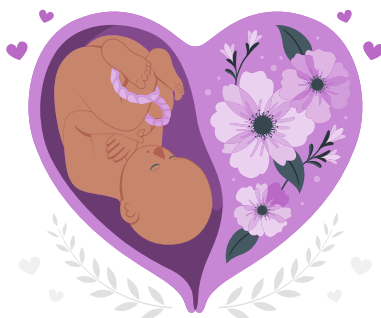
طرح مسئله

چرا به جنین، جنین گفته می‌شود؟ جنین از «ج ن ن» گرفته شده که برخی اهل لغت می‌گویند به پوشیدگی و پنهان‌بودگی اشاره دارد.^۳

۱ - پروین اعتصامی

۲ - نمونه‌ای از این برآورد در سایت www.worldometers.info قابل مشاهده است.

۳- برای نمونه، صاحب لسان العرب درباره برخی از مشتقات آن چنین می‌نویسد: اَشْتَجَنَ فُلَانٌ إِذَا اسْتَتَرَ بِشَيْءٍ. وَ جِنُّ الْمَيْتِ جِنٌّ وَأَجْنَهُ: ستره؛ و الجنن، بالفتح: هو القبرُ لستره الميت. و الجنن أيضاً: الكفن لذلك. و أجنه: كفته؛ (لسان العرب؛ ج ۱؛ ص ۳)



گویا جنین‌ها به این علت که جلوی چشمان ما نیستند و کمتر دیده می‌شوند، جنین نام گرفته‌اند. برخی تصور می‌کنند مقطعی که به آن زمان «ولوج یا دمیده شدن روح کامل» گفته می‌شود، تازه در آن زمان است که

جنین به انسان تبدیل شده و قبل از آن، انسان نیست. یا از برخی اقوال فلسفی این‌گونه تصور شده که جنین، ابتدا منزلت نباتی (گیاهی) دارد و سپس منزلت حیوانی و در نهایت انسان می‌شود. باور دیگری که جنین را در سنین پایین انسان نمی‌داند، این است که جنین، در ابتدا بذور و ریشه انسان است و وقتی دارای روح کامل انسانی می‌شود، تازه به انسان تبدیل می‌شود. همه این تصورات، نادرست است و موجب می‌شود جنین، غیرانسان دانسته شود.

موضوع ما درباره انسانیت جنین

زمانی که مجموع آیات و روایات را می‌بینیم، به این نتیجه می‌رسیم که جنین از لحظه انعقاد و شکل‌گیری، یک نیمچه انسان است. مرتبه‌ای از وجود انسان است. هنوز فعلیت انسانی جنین کامل نشده اما به طور روشن، غیرانسان نیست و فعلیتی انسانی (هرچند ضعیف) دارد. به تدریج، این فعلیت انسانی کامل می‌شود. اما دلایل ما برای این موضوع چیست؟ به مواردی اشاره می‌کنیم.

درک عمومی ما انسان‌ها

فرض کنیم نمی‌خواهیم اینجا از منابع دینی استفاده کنیم. اگر از کسانی که جنین را در سنین کم (مثل سن یک ماهگی)، انسان نمی‌دانند، پرسیده شود که از نظر شما، جنین از چه لحظه‌ای و با

چه ملاکی انسان خواهد شد، ممکن است به ملاک‌هایی مثل «قلب داشتن»، «اتصال سلسله اعصاب به مغز»، «قابلیت زندگی بیرون بدن مادر»، «خارج شدن از شکم مادر» و ... اشاره کنند. همه این ملاک‌ها قابل بحث است و به نظر می‌رسد نمی‌تواند اشکال‌ها را پاسخ دهد. برای نمونه، نبضی که همان قلب اولیه است، از هفته سوم عمر جنین که حدود هفته پنجم بارداری است، تشکیل شده است ضمن اینکه اگر کسی با قلب مصنوعی ادامه حیات دهد، باید بگوییم انسان نیست؟ برای اتصال سلسله اعصاب به مغز، اگر در اثر تصادف، اتصال سلسله اعصاب لاقل بخشی از اندام‌ها به مغز قطع شود، باید بگوییم از انسان بودن خارج شده است؟ اگر جنین وابسته به جسم مادر باشد، مثل کسی که برای زنده ماندن، وابسته به یکی دو ماه مراقبت‌های پزشکی خاص است، می‌توان گفت در این مدت انسان نیست؟ درباره خارج شدن از شکم مادر نیز باید بگوییم نمی‌توان انسان بودن یا نبودن را وابسته به حضور پشت یا جلوی پرده بطن مادر دانست.

به هر حال وقتی تردید می‌کنند که از چه زمانی باید جنین را انسان دانست، لاقل درک اخلاقی ما انسان‌ها می‌گوید برای مراقبت از جان، احتیاط کنیم. حتی اگر این احتیاط را نپذیرند، کم‌ترین کاری که می‌توانند انجام دهند، سکوت کردن و درک ندانستن‌های خود است.

آیه ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه مومنون و انسانیت جنین

اولین دلیل بر انسانیت جنین از همان ابتدا، آیه شریفه ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه مومنون است. خداوند در این آیات می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾

۱ - سن بارداری، به طور متوسط دو هفته قبل از سن جنین (لقاح) آغاز می‌شود. البته این فاصله، خطا نیز دارد.

ما انسان را از سلاله‌ای از گل آفریده‌ایم؛ سپس او را نطفه‌ای در جایگاه استوار قرار دادیم.^۱

در این آیه شریفه، چه چیزی را خدای بزرگ نطفه قرار داده است؟ در آیه سیزدهم، ضمیر «ه» در «جعلناه» به انسان در آیه دوازدهم بر می‌گردد. یعنی ما این انسان را «از» گل آفریدیم اما خود این انسان را «نطفه» قرار دادیم. بنابراین همان ابتدا که انسان شکل می‌گیرد، جعل انسانی دارد و انسانیت وی آغاز شده است. این آیه شریفه نشان می‌دهد جنین از همان ابتدا، شأن انسانی دارد. کسانی که تصور می‌کنند باید چند ماه از عمر جنین بگذرد تا انسان بودن وی آغاز شود، باید تجدید نظری در ذهنیت خود ایجاد کنند. چه بسیار جنین‌های بی‌گناهی که به خاطر این ذهنیت‌ها آسیب دیدند.



آیا فلسفه اسلامی به ما می‌گوید که جنین در سنین پایین شأن گیاهی یا حیوانی دارد؟

یکی از ذهنیت‌های نادرست این است که تصور می‌شود فلسفه به ما می‌گوید شکل‌گیری جنین، با شکل گرفتن شأن نباتی (یعنی دارای شأنی همچون یک گیاه) همراه است و سپس به حیوان تبدیل می‌شود و کم‌کم به سوی انسانیت حرکت می‌کند. این تصور، نادرست است. اگر فلسفه هم، چنین بگوید باید به دلیل وجود معارف روشنی درباره انسانیت جنین از ابتدا، آن را کنار بگذاریم؛ اما اساتید بزرگ فلسفه می‌گویند اگر جایی هم به شأن نباتی و حیوانی برای جنین اشاره شده، مقصود این است که این موجود ضمن آنکه جنس انسانی دارد و انسان است، در این مرحله، بروزات نباتی و



حیوانی (رشد و بزرگ شدن، حرکت و ...) دارد. اگر این تفسیر صحیح باشد؛ یعنی در فلسفه اسلامی، وقتی جنین در سنین بسیار پایین قرار دارد، یک انسان است که ابتدا فقط مثل یک گیاه، رشد و تغذیه دارد اما حرکت ندارد و بعد از مدتی، انسانی است که شباهت‌هایی

ظاهری و عملکردی به رشد و ویژگی حیوانی دارد و بعد از مدتی هم بروزهای مشابه انسان‌های متولد شده از مادر، از این انسانی که در مرحله جنینی است، دیده می‌شود. این نوع بیان از مقصود فلسفه، تعارضی با معارف ما ندارد.

صحیحه اسحاق بن عمار و آغاز انسانیت جنین

اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسد:

«الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتَلْقَى مَا فِي بَطْنِهَا»

یعنی خانمی می‌ترسد که باردار شده باشد؛ در چنین حالتی دارویی می‌نوشد و آنچه در شکم دارد می‌اندازد. در اینجا، این خانم، مطمئن هم نیست که باردار باشد. فقط احتمال بارداری می‌دهد. مثلاً جایی که نظم عادت خانم به هم ریخته باشد، احتمال بارداری وجود دارد. سؤال اسحاق بن عمار این است که در چنین شرایطی، خوردن دارویی که تعارض با زندگی جنین (اگر وجود داشته باشد) دارد، مجاز است یا خیر؟

«فَقَالَ:» حضرت می‌فرماید: «(لا) یعنی مجاز نیست چنین کاری انجام دهد. در ادامه، اسحاق بن عمار، تصویری دارد و آن را مطرح می‌کند که خیلی از ما هم شاید این طور فکر می‌کنیم. می‌گوید: «فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ: گفتم که (این چیزی که در این مرحله تشکیل شده) نهایتاً

یک نطفه است.» در جامعه اگر نظرسنجی‌ای شود و پرسیده شود که انسانیت در جنین چه زمانی ایجاد می‌شود، کم پیدا می‌کنید کسی را که به لحظه تشکیل نطفه اشاره کند. اسحاق بن عمار، از ذهنیت عمومی‌ای می‌گوید که خودش هم همان طور فکر می‌کرده است. حضرت اینجاست که ذهنیت او را رد می‌کنند: «قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ» فرمودند اولین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است! آیا حضرت در اینجا به آغاز منشأ خلقت انسان اشاره دارند یا به آغاز خلقت خود انسان؟ اگر اشاره به منشأ داشتند، منشأ خلقت، تراب و طین و ... است و نه نطفه. ضمن اینکه در جواب اینکه اسحاق بن عمار که گفته بود نطفه‌ی شکل گرفته، چیز مهمی نیست، پاسخ خوبی نبود زیرا کسی اصراری به حفاظت از حیات خاک در این سطح که آن را دور نریزد، ندارد. بنابراین مقصود، آغاز خود انسان است و نه ریشه خلقت انسان. مقصود جنین می‌شود که حضرت، می‌فرمایند وقتی نطفه شکل می‌گیرد، خلقت انسان آغاز شده است و انسان آفریده شده است.

جنین، از لحظه لقاح دارای روح می‌شود

یکی از تصورات نادرست این است که جنین زمانی که به آن «زمان ولوج روح» گفته می‌شود دارای روح شده و قبل از آن فاقد هرگونه روح است در حالی که این تصور نادرست است. جنین بنا به روایت



معتبر، از لحظه لقاح، دارای روح می‌شود که البته هنوز روح کامل نیست. به این روایت توجه بفرمایید: سعید بن مسیب بعد از آنکه درباره دیه قتل جنین در مراحل مختلف از امام سجاد (علیه السلام) می‌شنود،

می پرسد: ^۱

«أَرَأَيْتَ تَحَوَّلَهُ فِي بَطْنِهَا إِلَى حَالٍ أَوْ بِرُوحٍ كَانَ ذَلِكَ أَوْ بَعِيرٍ رُوحٍ»

به نظر شما تحول و رشد جنین در شکم مادرش از حالتی به حالت دیگر، آیا با روحی انجام می شود یا بدون روح است؟ امام می فرماید:

«قَالَ بِرُوحٍ عَدَا الْحَيَاةِ الْقَدِيمِ الْمُنْقُولِ فِي أَصْلَابِ الرَّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ»

با روحی انجام می شود که اضافه بر حیات سابق است. اشاره می فرماید که این حیات سابق، حیات موجودی از پدر و موجودی از مادر بوده (سلولی از پدر و سلولی از مادر یعنی همان اسپرم و تخمک) است. در واقع وقتی سلولی از پدر و سلولی از مادر بود، حیاتی داشت و وقتی پیوندی حاصل شد، روحی به آن اضافه می شود. در ادامه می فرماید:

«وَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ فِيهِ رُوحٌ عَدَا الْحَيَاةِ مَا تَحَوَّلَ عَنْ حَالٍ بَعْدَ حَالٍ فِي الرَّحِمِ وَمَا كَانَ إِذَا عَلَى مَنْ يَقْتُلُهُ دِيَّةٌ»

و اگر روحی نداشت، این تحول ها را نداشت و در آن صورت، بر کسی که آن را به قتل می رساند، دیه واجب نمی شد. همین که قتل آن دیه دارد، یعنی روح دارد. علامه جعفری هم در کتاب رسائل فقهی خود اشاره کرده اند که دیه اساساً برای جنایت بر انسان یا عضو انسان وضع شده است و البته در مواردی از باب مجاز، در موارد دیگری هم استعمال شده که در جای خود قابل توضیح و بررسی است.^۲

۱ - کافی ج ۷ ص ۳۴۷ ح ۱۵؛ تهذیب ج ۱۰ ص ۲۸۱ ح ۳، الوافی، ج ۱۶، ص: ۷۴۸، مرآة لعقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، ص: ۱۶۱

۲ - این استثنایها عبارتند از: دیه عزل، دیه سگ شکاری و دیه جنایت بر میت. درباره مورد اول و سوم، دیه به ارث نمی رسد و به عنوان یک غرامت پرداخت می شود و از این جهت روشن است که با دیه جنین که به ارث می رسد متفاوت است. درباره سگ شکاری، به نظر می رسد واژه دیه مربوط به کلام راوی است و از آن جهت که نقل به مضمون در روایات مجاز بوده است، راوی به خاطر عدم توجه به تفاوت دیه و غرامت، چنین نقل کرده است. به خاطر وجود این تعبیر در کلام برخی راویان (که تعداد روایات آن هم کم است)، در برخی کتب فقهی، درباره سگ شکاری، از همین تعبیر دیه استفاده شده است؛ اما برخی از علما

نتیجه انسانیت جنین چیست؟

اگر بپذیریم شکل‌گیری جنین، شکل‌گیری مرتبه‌ای از وجود انسانی است، می‌توان گرفتن جان جنین در عصر امروز (سقط جنین) را با اتفاقی که در جاهلیت رخ می‌داد، مقایسه کرد. بر اساس برخی شواهد، تعداد زنده به گور کردن دختران در جاهلیت، زیاد نبوده است. (وگرنه زنی نمی‌ماند که مردی از وی متولد شود) اما این اتفاق به قدری وحشتناک است که یکی از اعتراض‌های شدید اسلام به رسوم آن زمان، اعتراض به کشتن این بچه‌های بی‌گناه بوده است. از این جهت قتل جنین در بشر امروز، شباهت زیادی به زنده به گور کردن دختران در جاهلیت گذشته دارد. امروز، شاید قتل جنین در بیشتر خانواده‌ها رخ ندهد؛ اما آن قدر وحشتناک است که همه ما باید به عنوان جهالت امروز، آن را فریاد بزیم و تلاش کنیم این رسم ناپسند از میان بشریت امروز برچیده شود.



اگر جنین، مرتبه‌ای از وجود انسان باشد، گرفتن جان جنین، نسبتی با کشتن همه انسان‌ها در آیه شریفه ۳۲ سوره مبارکه مائده نیز برقرار می‌کند. این آیه شریفه می‌فرماید:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...»

«اگر کسی جانی را بگیرد بدون اینکه او کسی را کشته باشد یا فساد گسترده‌ای در زمین به پا کرده باشد، همچون آن است که همه مردم را کشته باشد...» این قدر گرفتن جان یک انسان، وحشتناک است. بنابراین درباره جنین هم که مرتبه‌ای از وجود انسان است می‌تواند این تعبیر صدق کند.

از طرف دیگر زنده کردن و زنده نگه داشتن یک جان هم از منظر قرآن

نیز در توضیحات خود اشاره کرده‌اند که سگ شکاری در واقع دیه ندارد و غرامت دارد.



کریم، بسیار ارزشمند است و نزد خداوند بزرگ است. ما هم باید به عنوان کسانی که مؤمن به وحی هستیم، این بزرگی را درک کرده و بپذیریم. در همان آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده، زندگی بخشی به یک تن را، همچون زندگی بخشی به همه انسان‌ها دانسته‌اند:

«... وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...»

«... و هرکس جانی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده است...»^۱

گویا وقتی می‌خواهیم بفهمیم از منظر الهی زندگی بخشی به یک انسان چقدر ارزشمند است، باید ببینیم درک ما از اهمیت زندگی بخشی به همه انسان‌ها چیست؟ فرض کنید کسی توانسته باشد با تلاش خود، جان همه انسان‌های روی کره زمین را نجات دهد. درک عمومی ما چقدر قابل افتخار و ارزشمند است؟ نجات یک جان را باید همین قدر ارزشمند بدانیم. جنین هم که مرتبه‌ای از وجود انسان است، نسبتی با این ارزش برقرار می‌کند.

وقتی همه موجودات، سر به درگاه خداوند دارند، جنین که دارای وجودی انسانی است نیز در زمره سجده‌کنندگان درگاه الهی است.

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...»

«همه آنچه در آسمان و زمین است، سجده می‌کند به درگاه خداوند...»^۲

شاعر درباره جنین می‌گوید:

بر امید مدد رزق، به سوی در تو هم به اول حرکت، سجده کند جان جنین^۳

شیرینی زندگی بخشی به انسان‌ها

کسانی که برای نجات جان جنین‌ها تلاش می‌کنند، ماماها، پزشکان، مشاوران، گروه‌های مردمی حامی حیات جنین و ... می‌گویند وقتی

۱ - {المائدة، ۳۲}

۲ - {الرعد، ۱۵}

۳ - انوری، قصیده شماره ۱۵۵





با تجربه‌ای از نجات روبرو می‌شوند، انگار دنیا را به آنها داده‌اند. برخی انصراف‌ها از قتل جنین، بسیار آسان انجام می‌شود و برخی دشوارتر و برخی شاید خیلی دشوار؛ اما آنچه بین همه این‌ها مشترک است، شیرینی نجات است. وقتی با دقایقی وقت گذاشتن و گفتگو، جنینی نجات پیدا می‌کند و بعد از چند ماه، تصویرش را برایتان می‌فرستند، این را با چه چیزی می‌توان عوض کرد؟

کاری که عزیزان جامعه پزشکی در حفظ جان‌ها انجام می‌دهند، بی‌خوابی‌ها و شیفت دادن‌ها، این‌ها همه در راستای حفظ جان انسان‌ها و احیاء است، باید قدر خود را بدانند و البته بسیار مراقب باشند که این امانت الهی را با دقت به منزل مقصود برسانند. اما حفاظت از جان‌ها، تنها با اقدام مستقیم نیست. گاهی اوقات حرف‌ها و اقدامات بسیار ساده هم می‌تواند نجات بخش باشد.



قدم‌های ساده و در دسترس

تک‌تک ما می‌توانیم در نجات یافتن جنین‌ها شریک باشیم و اگر حواسمان نباشد، ممکن است ندانسته، قاتل طفلی بی‌گناه باشیم. حتماً می‌پرسید چطور ممکن است؟ کسی که دست به از بین بردن جنین خود می‌زند، خیلی اوقات تحت تأثیر نگاه اطرافیان و جامعه خود است. وقتی خانمی متوجه می‌شود خداوند به خانم دیگری از همسایه یا فامیل فرزندی داده است، حق ندارد به هر دلیلی او را ملامت کند. «الان چه وقتش بود؟» «چرا صبر نکردید؟»، «خدا بهت رحم کنه؛ با این خرجا» و ... اینگونه سخنان می‌تواند به تنهایی، تردید وی در حفظ فرزندش را، به تصمیم برای از بین بردن فرزند بی‌گناهِش منتهی کند.

■ بنابراین؛ اولین قدم، این است که وقتی خداوند به خانواده‌ای فرزندی داد، با کلام زیبا، هدیه دادن، حمایت مادی و معنوی به مراقبت از آن خانواده بشتابیم. مگر خود خدای بزرگ، روزی‌رسان و



مراقب بنده‌هایش نیست؟ اگر بخواهیم در این موضوع هم شبیه خدا شویم، باید حامی و مراقب و واسطه رزق به خانواده‌ها باشیم. وقتی خدا به دختر و پسر شما طفلی هدیه کرد، بعد از تشویق و شادی آفرینی، برای تأمین بخشی از هزینه‌هایش به آنان قول دهید. مثلاً نصف یا تمام هزینه پوشک فرزندشان را الان به عهده بگیرید. یا از همین الان، هدیه‌ای نقدی به پدر خانواده برای مخارج دوران بارداری تقدیم کنید. چرا باید هدیه‌های ما، فقط بعد از چشم گشودن طفل به دنیا باشد؟ البته در کنار نقش آفرینی خانم‌ها، آقایان نیز در این موضوع نقش آفرین هستند.

■ قدم دوم این است که احکام شرعی مرتبط با جنین را یاد بگیریم. بدانیم در چه شرایطی از بین بردن جنین حرام است و استثنای آن چیست؟ با ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده درباره موارد مجاز و غیرمجاز سقط قانونی که براساس شرع تنظیم شده، آشنا شد و همچنین درباره دیه جنین اطلاعات کامل کسب کنیم.

■ قدم سوم، دانستن بیشتر درباره منزلت جنین و معاد وی است که خود نیاز به توضیحاتی دارد. این موضوع بسیار اهمیت دارد و می‌تواند بر نگاه و سنت‌ها و مکالمه‌های افراد، بسیار اثرگذار باشد.

■ قدم چهارم، ارتباط با محصولات و تولیدات مجموعه‌های حامی حیات جنین و انتشار آنها است. این محصولات، کمک به عمیق‌تر کردن نگاه ما به موضوع خواهد کرد.

تلاش داریم اقدامات و قدم‌های دیگری را که می‌توانیم برداریم، در جلسات دیگر اشاره کنیم.

بی‌رحمی دشمنان امام حسین (علیه السلام)

اسلام برای جان موجودات اهمیت فوق‌العاده قائل است تا جایی که حتی در توصیه‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به سپاهیان‌شان، قطع

کردن غیر ضروری درختان نیز حتی در شرایط جنگ منع شده است.

«... وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطَّرُّوا إِلَيْهَا...»

«هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه ناچار باشید.»^۱

اسلام به همه موجودات توجه دارد. گیاه، حیوان و انسان. البته که سنگینی گرفتن جان انسان، بیشتر هم هست. زهیر بن قین از یاران امام حسین^(علیه السلام) در اثناء محاصره توسط سپاه حرّ، به امام پیشنهاد می‌دهد که قبل از رسیدن بقیه سپاه دشمن، جنگ را آغاز کنند. امام فرمود: «من شروع کننده جنگ نخواهم بود»^۲ تا جایی که ممکن است و ضرورتی ندارد، وارد جنگ نمی‌شوند و جنگی را آغاز نمی‌کنند.

اما شیوه یزیدیان این نبود. عمر بن سعد، به آغازگری جنگ افتخار می‌کند. راوی می‌گوید:

«فَقَدَّمَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ فَرَمَى نَحْوَ عَسْكَرِ الْحُسَيْنِ^(علیه السلام) بِسَهْمٍ وَ قَالَ: إِشْهَدُوا عِنْدَ الْأَمِيرِ أَنِّي أَوَّلُ مَنْ رَمَى»

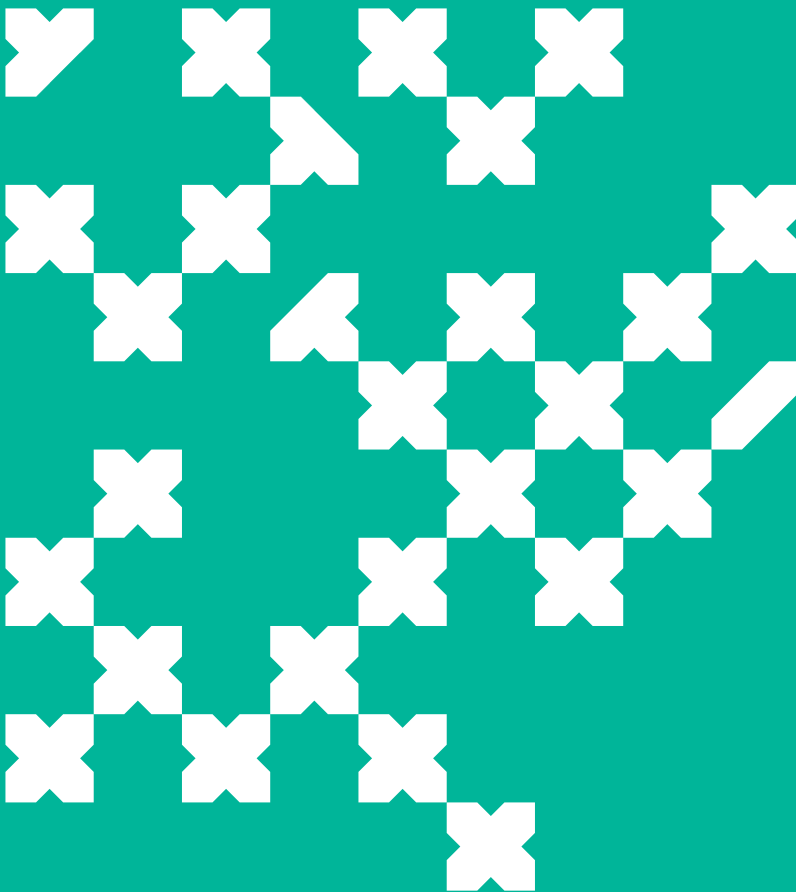
«عمر بن سعد جلو آمد و تیری به سمت لشکر امام حسین^(علیه السلام) انداخت و گفت: نزد امیر شهادت دهید که من اولین کسی بودم که تیر انداختم»^۳ اینجا به آغازگری جنگ افتخار می‌کند.

وای به حال آنکه دستور داد و وای به حال آنکه اجرا کرد. لایوم کیومک یا ابا عبدالله^(علیه السلام).

۱ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸.

۲ - ابومخنف، لوط بن یحیی، مقتل الحسین ابی مخنف، تصحیح و ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، انتشارات خیمه، ۱۳۹۳.

۳ - سید بن طاووس، ترجمه و متن کامل لهوف علی قتل الطفوف، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.



مجلس دوم: اهمیت جان انسان برای درک بیشتر اهمیت جان جنین

شناسنامه مجلس

موضوع: حفظ جان انسان از منظر اسلام چه اهمیتی دارد؟

اندیشه اصلی: حفظ جان انسان در غیر موارد استثنا همچون قصاص و افساد فی الارض، به ارزشمندی حفظ جان همه انسان‌ها است.

احساس اصلی: ناپسندی بی احتیاطی نسبت به جان انسان‌ها و اهمیت نجات جان

تفاوت سنگینی مرگ و قتل

مرگ، برای انسان‌هایی که تلاش کرده‌اند مسیر خوبی‌ها را طی کنند، اتفاق سختی نیست؛ اما نگاه اخلاقی اسلام درباره قتل، خیلی متفاوت است. اینکه کسی به خاطر رضای خدا و در شرایط ناچار، پا به میدان دفاع و رزم بگذارد یا برای تحصیل و تدریس و تبلیغ هجرت کند و یا برای تأمین روزی خانواده خود کاری عاقلانه اما سنگین را دنبال کند و در یکی از این مجاهدت‌ها، جان خود را از دست دهد، اجرش بر خداست و اتفاق بدی نیست. اما اگر کسی درباره جان دیگران بی احتیاطی کند یا خدای ناکرده با کلام و قدم نادرست خود موجب شود جان پیری، جوانی، نوجوانی، کودکی، جنینی، به خطر بیفتد و خدای ناکرده آن شخص جان خود را از دست بدهد، بسیار وحشتناک است. چرا؟ خواهیم گفت.

اهمیت حفظ جان در اسلام

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...﴾

در این آیه شریفه که موضوع اصلی مجلس ماست، خداوند می‌فرماید: به خاطر آن ماجرا که اشاره به ماجرای قتل هابیل توسط قابیل است، بر بنی اسرائیل نوشتیم که: هرکس جانی را بدون اینکه پای جان دیگری در میان باشد (مثلاً آن شخص، خودش قتلی مرتکب شده باشد که مستحق قصاص باشد) یا فساد فی الارضی کرده باشد، بگیرد، مثل آن است که همه مردم را به قتل رسانده باشد و کسی که جانی را زنده کند (یعنی جلوی مرگش را بگیرد)، همچون آن



است که همه مردم را زنده کرده است.

سؤالات زیادی درباره این آیه شریفه قابل طرح است که اشاره می‌کنیم و به یاری خداوند، به آن‌ها پاسخ خواهیم داد تا هم تدبیری در آیه شریفه باشد هم موضوع اهمیت حفظ جان انسان را بیشتر درک کنیم. برخی از این سؤالات را مرور می‌کنیم:

۱. چرا کشتن یک نفر مثل کشتن همه مردم است؟ این مثل بودن چه معنایی دارد؟

۲. مقصود از تعبیر «الناس»، مردم عادی هستند یا شامل اولیاء الهی و انبیا و امامان هم هست؟

۳. ماجرای هاییل و قابیل چه ارتباطی با زشتی قتل دارد؟

مقصود از مشابه بودن قتل یک نفر با قتل همه انسان‌ها

مفسران در بررسی مقصود از اینکه قتل یک نفر همچون قتل همه انسان‌ها است، دیدگاه‌های مختلفی دارند ولی به نظر می‌رسد تفسیر دقیق‌تر چنین است: همه ما انسان‌ها، درکی نسبت به زشتی قتل داریم. خداوند می‌فرماید که زشتی قتل نزد من خدا، مشابه زشتی‌ای است که شما انسان‌ها از کشتن همه انسان‌ها باهم درک می‌کنید. یعنی اگر خواستید بدانید نزد من خدا، چقدر کشتن یک انسان زشت است، به فطرت خود مراجعه کنید و تصور کنید موضوعتان کشتن همه انسان‌ها باهم است.

تفاوتی بین انسان‌ها در این آیه شریفه نیست

نکته مهم دیگری که در این آیه شریفه باید توجه شود، این است



که واژه «نفساً»، اطلاق دارد؛ به این معنا که نفرموده «نفساً مومنأ»، «نفساً مسلماً»، «نفساً کبیراً»، «نفساً مذکراً»، «نفساً مونثاً»، «نفساً غیر معلول» و ... به این معنا که بین مسلمان و غیر مسلمان، مؤمن و غیرمومن، مرد و زن، معلول

و سالم در این فرمایش الهی تفاوتی نیست. حتی حق کشتن بیماری که ساعتی دیگر در اثر وضعیت طبیعی بیماری جان خود را از دست می‌دهد نخواهیم داشت. هیچ کس حتی پدر و مادر، حق گرفتن جان ندارند. حتی اگر پدری فرزند خود را به قتل برساند و به دلیل فقدان بازدارندگی کافی، او را قصاص نکنند و فقط مجازاتی نظیر زندان برای وی در نظر گرفته شود، بازهم زشتی کشتن همه انسان‌ها بر اقدام وی بار می‌شود. البته در موضوع زشتی قتل، دو استثنا وجود دارد که در همان آیه شریفه بیان شده است. (۱) جایی که آن فرد، کسی را کشته باشد و اولیاء دم هم اجرای قصاص نفس را طلب کرده‌اند، (۲) جایی که فرد، فساد گسترده‌ای در زمین ترتیب داده باشد.

بنابراین اگر کسی بیمار رو به مرگ را که یک دقیقه دیگر به عمرش باقی است، به هر دلیل به قتل برساند، همچون کسی است که همه انسان‌ها را کشته است. اگر کسی، فرد فاسدی را که حکم اعدام برای او روا نیست، به قتل برساند همچون کسی است که همه انسان‌ها را کشته است و ...

این آیه شریفه از آیاتی است که باید حتی در میان کسانی که اسلام را نپذیرفته‌اند، سر خود را بالا بگیریم و به آن افتخار کنیم که چقدر دین ما به مراقبت از جان دیگران اهمیت داده است. اگر کسی این آیه شریفه را درک کند، در مراقبت و احتیاط نسبت به جان کارگران و کارمندان و مجموعه تحت مدیریتش اندکی بی احتیاطی نخواهد کرد و در عین حال که از مرگ نمی‌ترسد، توجه ویژه به مراقبت از جان



دیگران خواهد داشت. اگر بشریت به این آیه شریفه باور داشت، جنگ‌افروزی‌های جهانی که طی آن چندین میلیون نفر جان خود را از دست دادند واقع نمی‌شد. باید امروز مومنان مدعی و خون‌خواه مظلومانی که با مطامع مادی قربانی جنگ می‌شوند، باشند.

مقصود از تعبیر «الناس»

مردم عادی هستند یا شامل اولیاء الهی و انبیاء و امامان هم هست؟

تعبیر «الناس»، نه تنها شامل انسان‌های عادی می‌شود، بلکه شامل انسان‌های ویژه و مقرب، افراد با استعداد یا دارای استعداد متوسط و حتی انسان‌هایی که در دیگر اعصار زندگی کرده‌اند هم می‌تواند باشد. به عنوان شاهدی بر اینکه شامل انسان‌های ویژه



هم خواهد بود، آیه شریفه‌ای که توصیف فدکاری امیرمومنان (علیه السلام) در شب ليله المییت است را مرور می‌کنیم:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ إِتِّغَاءَ
مُرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ»

«و از میان مردم، کسانی هستند که جان خود را برای رسیدن به رضایت الهی می‌دهند و خداوند به بندگانش مهربان است.»^۱ در این آیه شریفه، از واژه «الناس» برای اشاره به حضرت علی (علیه السلام) استفاده شده است.

نتیجه این استدلال، آن است که گرفتن یک جان، مثل گرفتن جان همه انسان‌هایی است که در میان آن‌ها، پیامبران و امامان (علیه السلام) و فقها و مجتهدین، شهدا و صالحین قرار دارند. مثل آن است که جان آیت الله بهجت^(ع)، گاندی، امام خمینی^(ع)، سلمان فارسی و ... را هم گرفته است.



ماجرای هابیل و قابیل چه ارتباطی با این فرمایش الهی دارد؟

آیات قبل، خداوند از ماجرای هابیل و قابیل می‌فرماید:

وَآتَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرَ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِيَدَيْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ؛ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِى سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ^۱

هابیل و قابیل، هر دو قربانی‌ای در محضر الهی آماده کردند اما از هابیل پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد. قابیل به هابیل گفت که تو را خواهم کُشت. هابیل می‌فرماید که اگر برنامه‌ریزی برای قتل من کنی، من چنین نیستم که برای قتل تو برنامه‌ریزی کنم چون من از خدایی که رب العالمین است می‌ترسم... در نهایت هابیل به قتل می‌رسد و کلاغی، دفن پیکر برادرش را به او می‌آموزد.

ارتباط این ماجرا، با اینکه کشتن یک نفر را معادل کشتن همه انسان‌ها بگیریم چیست؟ به نظر می‌رسد کلید حل این سؤال، تعبیر هابیل است که می‌گوید من اقدام به قتل نمی‌کنم چرا که از رب العالمین ترس دارم. خدای بزرگ، تربیت کننده همه موجودات است و بر اساس حکمت بلند خود، جهان را تنظیم کرده است. وقتی کسی، اقدام به کشتن انسانی که نباید او را به قتل برساند می‌کند، گویا این جریان ربوبیت و سرپرستی الهی را درک نکرده و با آن می‌جنگد. گویا می‌گوید نباید این شخص در این جهان باشد. در



حالی که خدای بزرگ، با حکمت خود وی را آفریده است. وقتی کسی، جنین با ربوبیت الهی درگیر می‌شود، تفاوتی نخواهد داشت که برای نبودن یک انسان تصمیم به قتل بگیرد یا برای نبودن همه‌ی انسان‌ها. شاید همین نکته، دلیل مشابه بودن قتل یک نفر با قتل همه انسان‌ها باشد.

ارتباط جان انسان با جان جنین

بنابر دلایل مفصلی از آیات و روایات، جنین مرتبه‌ای از وجود انسان است که در جای خود لازم است این دلایل بیان شود. اگر بخواهیم اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم، اینکه جنین دیه خود را در اسقاط خود به ارث می‌گذرد، اینکه قتل جنین دیه دارد، اینکه روایات ما آغاز آفرینش انسان را از شکل‌گیری نطفه می‌دانند و ... از دلایل انسانیت جنین است که البته با توجه به افزایش تدریجی دیه تا



دمیده شدن روح کامل، باید بگوییم جنین، مرتبه‌ای از وجود انسان است.

حال اگر جنین مرتبه‌ای از وجود انسان است، از بین بردن آن، از بین بردن مرتبه‌ای از وجود انسان است که زشتی آن، نسبتی با زشتی از بین بردن همه انسان‌ها در همه اعصار

خواهد داشت و این زشتی، آن قدر بزرگ است که قابل صرف نظر نخواهد بود. توجه شود که در اهمیت جان جنین نیز، مسلمان بودن پدر و مادر، معلول و سالم بودن، خواسته یا ناخواسته بودن، مشروع یا نامشروع بودن انعقاد نطفه، دختر یا پسر بودن و ... تفاوتی نخواهد داشت و کشتن همه آنها بسیار ناپسند است. موارد استثناء در فقه نیز، به معنای ناپسند نبودن خود عمل قتل جنین نیست؛ بلکه به دلیل دیگری همچون حفظ جان مادر، از آن ناپسندی



صرف نظر می‌شود.

ارزش احیاء جان جنین

همان طور که از بین بردن جنین وحشتناک است، مراقبت از زندگی یک جنین نیز بسیار ارزشمند و بزرگ است. وقتی در آیه شریفه، بخشیدن زندگی به یک انسان همچون بخشیدن زندگی به همه انسان‌ها در همه اعصار دانسته شده است، نجات جان یک جنین نسبتی با این ارزش بلند دارد. مادر و پدر، اولین محافظان جان جنین هستند. ماماها و پزشکان زنان و بقیه اعضای کادر درمان که در حفظ جان مادر و جنین نقش ایفا می‌کنند، حیات بخش هستند و باید قدر خود را بدانند. هرکدام از کسانی که برای حمایت از جان جنین، محتوایی منتشر می‌کنند، داستانی مکتوب می‌کنند، شعری می‌نویسند و به مادران آرامشی می‌دهند، در نجات جان جنین‌ها نقشی ایفا کرده‌اند و از ارزش‌های بلند و نورانی احیاء بهره‌مند می‌شوند.



اثرات تکوینی قتل یا احیاء

وقتی قرآن کریم از بزرگی حفظ جان و وحشتناک بودن گرفتن جان می‌فرماید، روشن است که این موارد، اثرات تکوینی نیز داراست. وقتی جامعه‌ای سرشار از ظلم به موجودات بی‌پناه شود، دیگر نمی‌تواند توقع برکت و حرکت داشته باشد. برای نمونه، روایتی از امام باقر (علیه السلام) از قول امیرمومنان (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَ الزَّانَا مِنْ بَعْدِي كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِّفَتِ الْمَكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ»

هرگاه بعد من زنا در اتم ظاهر شد، مرگ ناگهانی زیاد شود و



هنگامی که کم فروشی کنند، خداوند آنان را به آفت‌ها و نقص‌ها گرفتار کند...»^۱ حال درباره قتل جنین، آیا نباید احتمال دهیم بسیاری از بی برکتی‌های جامعه امروز، به خاطر خون این موجودات مظلوم و معصوم است؟ در روایتی دیگر از حضرت امیرمومنان (علیه السلام) آمده است که: «إِذَا ظَهَرَتِ الْخِيَانَاتُ إِزْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ: وقتی خیانت‌ها ظاهر می‌شوند، برکت‌ها برداشته می‌شوند.»^۲

از سوی دیگر، اگر جامعه احیاء و مراقبت از جنین‌ها را جدی بگیرد، آیا نباید انتظار برکت و گشایش داشته باشیم؟ آیا نورانیت جامعه افزایش نخواهد یافت؟ آیه شریفه می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»

«و اگر مردم آبادی‌ها، ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می‌گشودیم.» (الاعراف، ۹۶)

جنین، برزخ و معاد دارد.

روایات ما نشان می‌دهد جنین در هر مرحله‌ای اگر با سقط خودبخودی و یا عمدی از دنیا خارج شود، حیات وی ادامه خواهد یافت. جنین، در نهایت معاد خواهد داشت و البته بهشتی خواهد بود. در سقط خودبخودی، جنین شفیع پدر و مادرش می‌تواند باشد و در سقط عمدی، از پدر و مادر خود شکایت خواهد کرد. در روایات ما، این وضعیت را منحصر به جنینی که بعد دمیده شدن روح کامل از دنیا خارج شود نکرده‌اند و نشان می‌دهد از ابتدای تشکیل جنین، این موضوع برقرار است.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرموده‌اند: «سَمُّوْا اَسْقَاتِكُمْ» جنین‌های سقط شده خودتان را نام‌گذاری کنید. در

۱ - بحار الأنوار، جلد ۹۷، صفحه ۴۶

۲ - غرر الحکم، جلد ۱، صفحه ۲۸۳.



اینجا، سقط خودبخودی مورد نظر است اما معاد داشتن جنین را منعکس می‌کند. در ادامه می‌فرماید: «فَإِنَّ النَّاسَ إِذَا دُعُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَسْمَائِهِمْ تَعَلَّقَ الْأَسْقَاطُ بِآبَائِهِمْ فَيَقُولُونَ لِمَ لَمْ تُسَمُّوْنَا» به این علت که وقتی مردم روز قیامت با اسم هایشان دعوت می‌شوند، بچه‌های سقط شده‌ای که نامی ندارند، به پدران خود می‌گویند که چرا نامی بر ما ننهاده‌ید؟ (شکایت خواهند کرد) «فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا مَنْ عَرَفْنَا أَنَّهُ ذَكَرَ سَمِّيْنَاهُ بِاسْمِ الذَّكَورِ وَمَنْ عَرَفْنَا أَنَّهُا أَنْثَى سَمِّيْنَاهَا بِاسْمِ الْإِنَاثِ أَرَأَيْتَ مَنْ لَمْ يَسْتَبِنْ خَلْقَهُ كَيْفَ نَسَمِّيَهُ قَالَ بِالْأَسْمَاءِ الْمُشْتَرَكَةِ مِثْلَ زَائِدَةَ وَطَلْحَةَ وَعَنْبَسَةَ وَحَمْزَةَ» از حضرت می‌پرسند که ای رسول خدا (ص)! جنین‌هایی که مشخص نیست اینها دختر هستند یا پسر، چطور برایشان اسم بگذاریم؟ فرمودند از اسامی مشترک بین دختر و پسر استفاده کنید. مثلاً در عربی، طلحه و حمزه، مشترک بین دختر و پسر استفاده می‌شود. در فارسی، متین و نصرت مشترک استفاده می‌شود.

توبه، راه بازگشت



هرچند کسی که آلوده گناهی شود، ممکن است دیگر میل به بازگشت و پشیمانی را نداشته باشد، اما هر زمان کسی از هر گناهی پشیمان شده و تصمیم به بازگشت بگیرد، راه خداوند بسته نیست. البته در کنار توبه، جبران حق الناس دیه هم در این موضوع ضرورت دارد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. وجود امکان توبه، چیزی از زشتی گناه قتل جنین کم نمی‌کند اما به هر حال راه بازگشت همیشه باز است. البته هیچ وقت نباید بخاطر توبه‌پذیری



خداوند، حاضر شویم به موجودی دیگر ظلمی کنیم. حیات جنین با اسقاط، از بین نرفته و در برزخ و معاد به حیات خود ادامه می‌دهد و لااقل در مقابل وی شرمنده خواهیم بود. ضمن اینکه گاهی گرایش ما تغییر می‌کند و یا ناگهان مرگ فرا می‌رسد و فرصتی برای توبه باقی نمی‌ماند.

قیام سیدالشهدا (علیه السلام)، مسیر احیاء معنوی

بیشتر از آنکه مراقبت از جان انسان‌ها اهمیت دارد، مراقبت از روح و معنویات جامعه نیز اهمیت دارد. امام حسین (علیه السلام) برای احیاء سنت متعالی جدّ خود رسول الله (صلی الله علیه وآله) قیام کردند:

«إِنَّمَا حَرَجْتُ أَطْلُبُ الصَّلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٍ أُرِيدُ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ
أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَسِيرٌ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ سِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ...»

«تنها برای این قیام کردم که صلاح امت جدم محمد (صلی الله علیه وآله) را دنبال کنم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جد خود و پدرم علی بین ایطالب (علیه السلام) رفتار کنم...»^۱

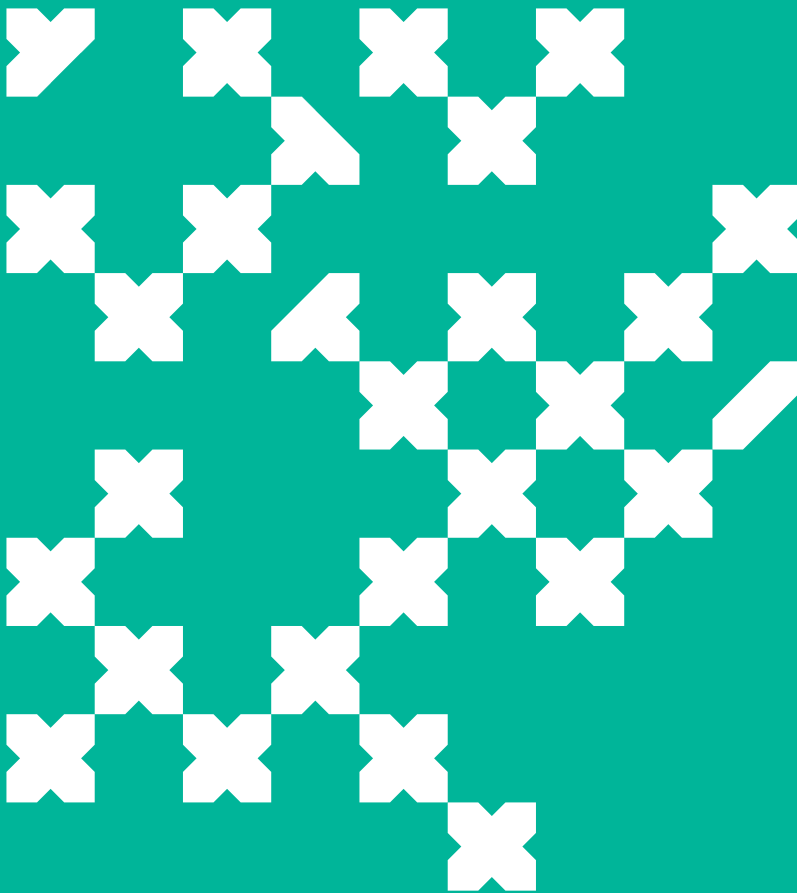
اما چه کردند با حضرت؟ راوی می‌گوید: «أَثخنَ الحسینَ (علیه السلام) بالجراح و بَقِيَ كَالْقَنْفَذِ: تیرها به حضرت زدند تا آنکه بدن ایشان مانند جوجه تیغی پراز تیر شده بود»^۲

این‌ها همه پاداش تلاش حضرت برای احیاء امت پیامبر بود؟

و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

۱ - المناقب، جلد ۴، صفحه ۸۸

۲ - سید بن طاووس، ترجمه و متن کامل لهُوفِ علی قتل الطفوف، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰.



مجلس سوم: احکام حامی حیات مادر و جنین

شناختنامه مجلس

موضوع: بیان احکام حامی حیات مادر و جنین

اندیشه اصلی: از بین بردن عمدی جنین، در عموم موارد حرام است و موارد جواز، بسیار محدود است.

احساس اصلی: اسقاط جنین، نوعی قتل است و شریعت هم از آن کوتاه نمی‌آید. دیه و جبران‌های آن بسیار دشوار است.

اهمیت موضوع حمایت از حیات جنین



یکی از منکرهای بزرگ و شاید بزرگ‌ترین منکر، ارتکاب گسترده قتل جنین در جهان امروز است. برآورد شده هر سال بین ۴۵ تا ۷۰ میلیون جنین در جهان به قتل می‌رسند. در ایران این عدد، حدود ۵۵۰ هزار نفر جنین در سال برآورد شده است. یعنی روزی حدود ۱۵۰۰

نفر جنین. چرا از تعبیر قتل استفاده می‌کنیم؟ تعبیر سقط، تعبیر نادرستی است. سقط یعنی افتادن؛ در حالی که در اقدام به از بین بردن جنین، انداختن اتفاق می‌افتد، نه افتادن. بنابراین إسقاط صحیح است که خواهیم گفت حقیقتش قتل است و از این جهت، اصطلاح قتل، مناسب‌تر است. البته اصطلاح «سقط» به دلیل آنکه بسیار به کار رفته و «غلط مصطلح» شده، گاهی قابل استفاده است و از تعبیر نادرست «سقط عمدی» هم می‌توان گاه استفاده کرد.

از بین بردن جنین قبل دمیده شدن روح کامل چقدر قبح دارد؟

با توجه به اینکه از بین بردن عمدی جنین در سنین پایین‌تر، دیه کمتری دارد، می‌توان گفت زشتی از بین بردن جنین بعد از دمیده شدن روح کامل، بیشتر است. البته این موضوع نباید ذره‌ای درباره زشتی فوق العاده زیاد قتل جنین در سنین پایین در ما تردید ایجاد کند. چرا؟ به این علت که وقتی قرآن کریم بر اساس آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده، کشتن یک انسان را مثل کشتن همه انسان‌ها



می‌داند، از بین بردن موجودی که یک نیمچه انسان است نیز کم ناپسند نخواهد بود بنابراین به هیچ وجه قابل توجیه نیست که کسی اقدام به از بین بردن جنین کند.

آیا از بین بردن عمدی جنین قتل است؟

اما آیا واژه «قتل» هم بر از بین بردن جنین صادق است؟ روشن است که بعد از دمیده شدن روح کامل، کشتن جنین تفاوتی با کشتن دیگر انسان‌ها ندارد و قتل نفس کامل است و فقها هم به این موضوع اشاره فرموده‌اند.



ممکن است پرسیده شود چرا در قوانین ما برای قتل جنین بعد از دمیده شدن روح کامل، قصاص قرار داده نشده است؟ پاسخ این است که ما هیچ دلیل شرعی بر قصاص نداشتن قتل جنین بعد ولوج روح کامل نداریم ولی به این خاطر که برخی فقها اطمینان از قصاص داشتن آن نداشتند و البته برخی هم قائل به قصاص بوده‌اند، بر اساس قاعده دَرء، قصاص برداشته شده است. قاعده درء می‌گوید که نسبت به حدود شرعی، هر جا تردید داشتیم، حد برداشته می‌شود. بنابراین نبودن قصاص در قانون، به معنای اینکه مطمئن باشیم عندالله هم قصاص ندارد، نیست. اما به خاطر اینکه یقین به قصاص داشتن نداشتیم، آن را نادیده گرفتیم. وگرنه بسیاری فقها قائلند قاتل جنین دارای روح کامل را می‌توان قصاص نفس کرد.

واژه «قتل» بر جنین قبل از دمیده شدن روح کامل، مثلاً در دوهفتگی یا یک ماهگی سن جنین، صادق است؟ هم آیات و هم روایات ما، از واژه «قتل» برای گرفتن جان جنین در همه سنین استفاده کرده‌اند و منحصر به بعد دمیده شدن روح کامل نیست؛ هر چند احکام و قبح قتل قبل و بعد از دمیده شدن روح کامل تفاوت‌هایی دارد. برخی از



روایات و آیات را در این موضوع مرور می‌کنیم.

صحیحہ ابی عبیدہ انعکاس قتل و احکام آن در اسقاط جنین

متن روایت صحیحہ ابی عبیدہ چنین است^۱:

«فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَ هِيَ حَامِلٌ» ابی عبیدہ، درباره خانمی از امام باقر (علیه السلام) می‌پرسد که باردار است و دارویی می‌نوشد. چرا؟ «لِتَطْرَحَ وَلَدَهَا» برای آنکه فرزندش را بیندازد.

نکته‌ای که اینجا باید توجه شود، این است که صحابی امام به عنوان یک عرب زبان، از واژه «ولد» برای جنین استفاده می‌کند و بنابراین یادمان باشد ولد، شامل جنین هم می‌تواند باشد. در ادامه می‌گوید: «فَأَلْفَتْ وَلَدَهَا» این خانم که درباره‌اش گفتیم، در نهایت، فرزندش را از بین می‌برد. حضرت متوجه بودند که سؤال راوی درباره دیه است؛ لذا درباره دیه جنین در مراحل مختلف توضیح می‌دهند: «فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَ شُقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصْرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دِيَّتَهُ» الان درباره میزان دیه بحث نداریم اما حضرت، دیه برخی مراحل قبل دمیده شدن روح کامل را هم برمی‌شمرند. سپس می‌فرمایند: «تُسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ» این دیه را مادر، به پدر تسلیم کند. اینجا برای راوی سؤال ایجاد می‌شود. قبل از اینکه درباره سؤال راوی صحبت کنیم، چند نکته درباره دیه عرض کنم چون راوی، نکاتی را که می‌خواهم عرض کنم می‌دانسته و با همین اطلاعات سؤال کرده است.





پرداخت کننده و دریافت کننده دیه قتل جنین کیست؟



در روایتی که اشاره شد، اقدام گُشنده یعنی خوردن داروی سقط دهنده را خانم انجام داده است. اما اگر مثلاً داروی سقط را پدر جنین به مادر جنین تزریق کند، پرداخت کننده دیه، پدر جنین است. اگر پزشک اقدام گُشنده مثل تزریق را انجام دهد، پرداخت کننده دیه،

پزشک است. اگر مادر، قرص بخورد و مثلاً پدر تزریق را انجام دهند، هر دو آنها باید دیه پرداخت کنند. راهنمایی کردن به سوی گرفتن جان جنین، همکاری‌های جانبی و ... همگی حرام است و برخی از آن‌ها مجازات قانونی هم دارد اما دیه (شاید به دلایل اجتماعی)، فقط برای مواردی که حلقه آخر قتل است در نظر گرفته شده است. دریافت کننده دیه، وارثان جنین (غیر از قاتلان وی) هستند. همان طور که با مرگ هر فردی، اموالش به وارثان او بر اساس طبقات ارث خواهد رسید، درباره جنین هم دیه وی، به وارثانش خواهد رسید. اگر در یکی از طبقات، وارثی باقی نماند، ارث به طبقه بعدی ارثی خواهد رسید. اگر وارث بعد از تحقق دیه و واجب شدن پرداخت دیه (و نه قبل از آن)، دیه را ببخشد (که البته بهتر است بخشیده شود و عذابی بر عذاب‌های قاتلان جنین افزوده نشود)، نیازی به پرداخت نخواهد بود و البته لازم است کلیه مشارکت کنندگان و اقدام کنندگان، از عمل خود توبه کنند.

مبلغ دیه

برخی، دیه را به صورت کسری از دیه کامل در نظر می‌گیرند. برای مثال، دیه جنین در مرحله نطفه، دوصدم دیه کامل، علقه چهارصدم



دیه کامل و ... بیان می شود. اما این محاسبه به دلایل مختلف محل اشکال است. اول اینکه برخی فقها مبنای محاسبه دیه قتل جنین را بنا بر احتیاط واجب، طلا می دانند که از نظر شرعی از نطفه ۲۰ مثقال طلا آغاز می شود و بالا می رود. در حالی که مبنای محاسبه دیه قانونی، طلا نیست. دوم اینکه دیه اعلامی قانونی در هر سال، به دلایل اجتماعی، کمتر از دیه واقعی تعیین شده است در حالی که وقتی خود فرد می خواهد به تکلیفش عمل کند، باید به نظر فقهی مرجع خود مراجعه نماید. ۲۰ مثقال طلا معادل ۱۵ مثقال طلا بازاری امروزی است (سه چهارم بازاری). دیه مرحله مضغه‌ای، ۴۰ مثقال طلاست، علقه ۶۰ مثقال، عظام ۸۰ مثقال، لحم و قیل از دمیده شدن روح کامل ۱۰۰ مثقال طلا است و بعد از دمیده شدن روح کامل، ۵۰۰ یا ۱۰۰ مثقال طلا خواهد بود.

ادامه روایت ابی عبیده

این را راوی می دانست به همین خاطر در گفتگو با امام باقر (علیه السلام) چنین ادامه می دهد:

«قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرْتُّ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دِيْتِهِ؟» آیا مگر این خانم از دیه فرزندش ارث نمی برد؟ راوی می دانست که هم زمان هم پدر و هم مادر، وارث جنین است. حضرت در پاسخ می فرماید: «قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ.» نه این خانم که اینجا اقدام کشنده را انجام داده، از دیه فرزند خودش ارث نمی برد چرا که فرزندش را کشته است. این بخش چند نکته دارد: (۱) اگر پدر اقدام کشنده انجام داده بود، همین ماجرا درباره پدر وجود داشت. یعنی باید دیه را پرداخت می کرد و از دیه هم به وی ارث نمی رسید. (۲) امام، واژه قتل را برای گرفتن جان جنین به کار برده‌اند و قید بعد از دمیده شدن روح کامل هم ندارند و با توجه به اینکه قبل از آن هم درباره دیه در مراحل مختلف حتی قبل دمیده شدن روح کامل می فرمایند و در ضمن در حال بیان قاعده

کلی هستند، بنابراین گرفتن جان جنین قبل دمیده شدن روح کامل هم از جنس «قتل» است. ۳) در شریعت بسیار دقیق اسلام، برای اینکه جلوی کشته شدن کسانی که ثروت خوبی دارند بخاطر ارث گرفته شود، به وارثی که قاتل باشد، ارث نمی‌رسد. همین قاعده را حضرت بدون کم و کاستی، بر جنین و وارثان وی تطبیق داده‌اند. این نشان دهنده مشابهت ماهیت جنین و دیگر انسان‌ها است. ۴) جنین، ارث به جای می‌گذارد و در شریعت ما انسان‌ها، هیچ موجودی غیر از انسان، ارث به جا نمی‌گذارد.

همه این موارد نشان دهنده شأن انسانی جنین است و البته روشن شد که نه تنها اصطلاح «قتل» برای گرفتن جان جنین در همه سنین استفاده می‌شود، بلکه برخی از احکام روشن قتل نیز بر قتل جنین در همه سنین تطبیق داده می‌شود. اما احکام قتل جنین چیست؟

آیاتی که قتل را برای اسقاط جنین به کار برده‌اند



به نظر می‌رسد کلیه آیاتی که از «قتل اولاد» نهی کرده‌اند، شامل نهی از قتل جنین هم خواهند بود. استناد اول، به واژه شناسی «وَلَدٌ» است. ولد در لغت، نِتاج و محصول^۱ است. البته، «تولد» در استعمال، برای بیرون آمدن بچه از

شکم مادرش به کار می‌رود؛ اما وَلَدٌ، شامل جنین هم خواهد بود. در روایت ابی عبیده، دیدیم که صحابی امام باقر (علیه السلام) که خودش عرب زبان است، واژه ولد را برای جنین در سنین پایین هم به کار می‌برد. در آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه نیز پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در عهد گرفتن از زنان، از واژه ولد استفاده می‌کند و به دلایلی

که تقدیم می‌شود، تردیدی نداریم که این ولد، شامل جنین هم هست و از همین نکته، نتیجه گرفته می‌شود که ولد در قرآن کریم، می‌تواند شامل جنین هم باشد؛ مگر آنکه قرینه‌ای داشته باشیم که در آیه مربوطه، ولد شامل جنین نیست. با توجه به عدم وجود قرینه در آیات «قتل ولد» درباره اینکه قتل جنین مقصود نیست، بنابراین آیات یاد شده، همگی شامل نهی از قتل جنین هم خواهند بود.

از بیعت مردان با پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله)، پیرو تحقق فتح مکه، زنان نیز ابراز تمایل به بیعت با حضرت کردند. مفاد بیعت و عهده‌ای که بین پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و زنان مؤمنه محقق شد، در در آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه ذکر شده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ...﴾

مفاد بیعت، چنین است: لا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا: زنان، شرک به خدا نوزند، و لا يَسْرِقْنَ: اموال کسی را جابجا نکنند، و لا يَزْنِينَ: زنان زنا نکنند، و لا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ: بچه‌های خود را نکشند

درباره اینکه بچه‌های خود را نکشند چه مصادیقی دارد، برخی مفسران به زنده به گور کردن اشاره کردند اما بیشتر مفسران، آن را شامل قتل جنین و زنده به گور کردن دانسته‌اند اما با توجه به چند قرینه، روشن است که قتل جنین در این آیه شریفه، مصداق بارزتر در این نهی است:

■ زنان، معمولاً فرزندان متولد شده خود را زنده به گور نمی‌کردند. عاطفه خانم‌ها، چنین اجازه‌ای نمی‌دهد و گزارش‌های تاریخی، انجام عمل را درباره مردان مطرح کرده است. نمی‌تواند در یک عهد عمومی از زنان مؤمنه، موضوعی که اساساً شیوعی ندارد مطرح



شود.

- بر اساس دیگر آیات قرآن کریم درباره جهالت زنده به گور کردن، دختران بودند که هدف این عمل وحشتناک بودند و نه پسران. در این آیه شریفه، ضمیر مذکر است که شامل دختر و پسر خواهد بود.
 - مورد سوم که البته به تنهایی دلیل نیست و قرینه‌ای بر برداشت ماست، این است که این موضوع بعد از زنا ذکر شده است و می‌تواند به این علت باشد که بفرمایند حتی اگر ارتباط نادرست، فرزندى شکل گرفت، حق قتل آن را ندارند.
- بنابراین نهی از قتل اولاد، در حالت کلی شامل قتل جنین هم خواهد بود و از این جهت، اطلاق اصطلاح قتل بر از بین بردن جنین در کلیه سنین، به دلیل مطلق بودن استعمال قرآنی آن، مورد تأیید قرآن کریم نیز هست.

قتل جنین در چه شرایطی حرام است؟

قتل جنین در کلیه سنین از لحظه شکل‌گیری نطفه (یا برخی گفته‌اند جنین شکل گرفته باید در رحم هم مستقر شده باشد) حرام است. در واقع اگر درباره موارد مجاز سخن می‌گوییم، درباره استثنا از حرمت سخن می‌گوییم و اگر تردیدی کنیم که حرام است یا مجاز، باید بنا را بر حرمت بگذاریم. اصل در قتل جنین، حرمت است. بهانه‌های مختلف نمی‌تواند مجوز قتل جنین را ایجاد کند.

موارد استثنا از حرمت قتل جنین

گفتیم که جنین از لحظه شکل‌گیری، مرتبه‌ای از وجود انسان است. بعد از دمیده شدن روح کامل که بین ۲ تا ۴ ماهگی صورت می‌گیرد، جنین انسانی است که هیچ تفاوتی از نظر مراتب انسان بودگی با ما ندارد. اگر جان جنین و جان مادر با هم در تعارض قرار گیرد. به



این معنا که قبل دمیده شدن روح کامل، حفظ جنین موجب مرگ مادر شود و اقدام برای نجات جان مادر، موجب قتل جنین شود، در اینجا جان مادر که انسان کامل است، بر جنین که مرتبه‌ای از وجود انسانی است اولویت دارد. هرچند کادر درمان موظفند تلاش کنند جان هر دو را نجات دهند.



بعد از دمیده شدن روح کامل، ما با دو جان کامل روبرو هستیم. در این شرایط اگر صبر کردن موجب شود هم جنین و هم مادر هر دو جان خود را از دست بدهند و اقدام کردن برای نجات مادر، لااقل مادر را نجات

می‌دهد، با توجه به اینکه بین یک جان و دو جان تراحم ایجاد شده است، می‌توان برای نجات جان مادر اقدام کرد هرچند موجب قتل جنین گردد. البته در اینجا هم باید دو تیم تلاش کنند که هم مادر و هم جنین را همزمان مراقبت کنند و حتی الامکان هر دو جان را نجات دهند.

برخی فقها که تعدادشان هم زیاد نیست؛ هرچند فقهای مهمی هستند، در صورت تحقق سه شرط، اجازه از بین بردن جنین را می‌دهند، هرچند ترجیح همین فقها هم حفظ جنین است. این سه شرط عبارتند از: (۱) اینکه نقص جنین به حدی باشد که با ملاحظه شرایط خانواده، موجب مشقت غیر قابل تحمل شود. (۲) تشخیص، قطعی باشد و تردیدی در آن نباشد. (۳) احراز شده باشد که روح کامل هنوز دمیده نشده است. (توجه شود که از لحظه لقاح، در جنین روحی دمیده می‌شود اما هنوز روح کامل نیست. شرط اینجا، نسبت به روح کامل است).

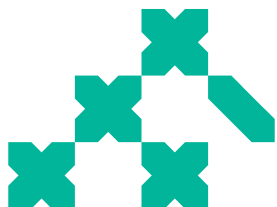
تحقق این شروط، بسیار دشوار است آنچنان که تقریباً می‌توان گفت در اکثر قریب به اتفاق مواردی که به پزشکی قانونی ارجاع می‌شود، این سه شرط به صورت همزمان برآورده نمی‌شود. هرچند به دلیل



برخی بی‌دقتی‌ها در فضای تخصصی و نخبگانی، سهل‌گیری نابجایی صورت گرفته است. به هر حال تشخیص این موضوع، مسئله‌ای بسیار تخصصی است و البته همان‌طور که در ماده ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت هم ذکر شده است، اصل بر عدم جواز قتل جنین است. توجه شود که بسیاری از فقها با تحقق این سه شرط هم قتل جنین را حرام می‌دانند و نیز فقهای هم که مجاز می‌دانند، آن را امری مطلوب ارزیابی نکرده و ترجیح بر حفظ جنین است ضمن اینکه در این موارد، پرداخت دیه قتل بر کسی که قرص را خورده یا تزریق را انجام داده یا هر اقدام کشنده دیگر را انجام داده، واجب می‌شود که متأسفانه در این سال‌ها مردم به یکدیگر بدهکار شده‌اند و دیه‌ها هم پرداخت نشده است. اشکالات بسیاری بر این روندها وارد است که چندین جلسه مستقل برای بررسی آن لازم است. اگر مایل به دریافت اطلاعات بیشتر بودید، ماده ۵۳ و ۵۶ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را مطالعه فرمایید.

برخی پژوهش‌های اخیر، در اینکه بتوان زمان ولوج روح کامل را ۴ ماهگی در نظر گرفت، تردید ایجاد کرده است و ممکن است لازم باشد برای مجوز سقط عمدی جنین به خاطر حرج، دو ماهگی را مبنا گرفت که در این صورت تقریباً همه سقط جنین‌هایی که مجوز قانونی داده می‌شود، قتل جنین بعد از دمیده شدن روح کامل است و عین قتل نفس کامل است. البته این موضوع در دست بررسی است اما در چنین موارد مهمی نیازمند احتیاط هم هستیم.

مرور چند استفتا



در اینجا چند استفتا را با یکدیگر مرور می‌کنیم:

مشکلات اقتصادی

سؤال: آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟ پاسخ:

سقط جنین به مجرّد وجود مشکلات و سختی‌های اقتصادی جایز نمی‌شود.^۱

صرف نقص جنین

سؤال: امروزه پزشکان متخصص می‌توانند از طریق استفاده از روش‌ها و دستگاه‌های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند. با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می‌شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان آن را ناقص الخلقه تشخیص داده، جایز است؟

پاسخ: سقط جنین در هر سنی به مجرّد ناقص الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی که در زندگی با آن مواجه می‌شود، جایز نمی‌باشد.^۲

آغاز حرمت اسقاط جنین

سؤال: آیا از بین بردن نطفه منعقد شده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدام یک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است:

۱. نطفه استقرار یافته در رحم، ۲. علقه، ۳. مضغه، ۴. عظام (قبل از دمیدن روح)؟

پاسخ: از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست.^۳

۱ - استفتا ۱۲۶۱، اجوبة الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه‌ای، بخش سقط جنین، به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲

۲ - استفتا ۱۲۶۳، اجوبة الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه‌ای، بخش سقط جنین، به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲

۳ - استفتا ۱۲۶۴، اجوبة الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه‌ای، بخش سقط جنین، به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲

اسقاط جنین به دلیل جراحی لثه

سؤال: اگر زن بارداری مجبور به معالجه لثه یا دندان‌هایش شود و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، آیا با توجه به این که بیهوشی و عکس برداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می‌شود، سقط جنین برای او جایز است؟

پاسخ: دلیل مذکور مجوزی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود.^۱

شکل‌گیری نطفه با زنا یا ارتباط به شبهه

سؤال: آیا سقط جنینی که نطفه‌اش با وطی به شبهه توسط فرد غیرمسلمان و یا با زنا منعقد شده، جایز است؟

پاسخ: جایز نیست.^۲

اسقاط مجاز جنین قتل یا خیر؟

سؤال: آیا جایی که از بین بردن جنین مجاز باشد (مثل تزاحم با جان مادر) هم قتل است؟

پاسخ: همان طور که گفته شد، ماهیت گرفتن جان جنین، قتل است. البته از واژه «سقط» که به معنای افتادن است و نه انداختن، به دلیل رایج شدنش استفاده می‌کنیم. واژه اسقاط نیز که واژه‌ای دقیق‌تر است نیز استفاده می‌شود و تلاش می‌کنیم از سمت احیا مثل «حمایت از حیات جنین» نیز استفاده کنیم اما توجه داشته باشیم که حقیقت آن، قتل است.

ممکن است سؤال شود در جایی که به خاطر نجات ناچار جان مادر قبل از دمیده شدن روح کامل مجبور شویم جنین را از بین ببریم،

۱ - استفتا ۱۲۶۹، اجوبة الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه‌ای، بخش سقط جنین، به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲

۲ - استفتا ۱۲۷۱، اجوبة الاستفتائات حضرت آیت الله خامنه‌ای، بخش سقط جنین، به آدرس: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲

اینجا هم باید بگوییم قتل جنین؟ بله چنین است. فرض کنید مادر و دختری، زیر آوار مانده‌اند و اگر آوار را بلند کنیم، خودش موجب کشته شدن دختر می‌شود و مادر زنده می‌ماند؛ اما اگر این کار را نکنیم، هر دو جانشان را از دست می‌دهند. در اینجا اگر موجب کشته شدن دختر شدیم، او را به قتل رسانده‌ایم هر چند این قتل در چنین شرایطی می‌تواند مجاز دانسته شود. قتل مجاز را نباید غیرقتل دانست. استفاده از اصطلاحاتی مثل «سقط درمانی» و «انداختن» و «ختم بارداری»، موجب می‌شود ناپسندی آن را نادیده بگیریم. در جایی، ممکن است برای نجات جان صدها نفر مجبور شویم کاری کنیم که یک نفر کشته شود. نباید چنین شرایطی موجب شود جان آن یک نفر را در چنین تراحمی سُبک بگیریم.

بهبانهای قتل جنین



با توجه به موارد برشمرده شده، اگر خانواده‌ای که خداوند فرزندی به آنان عطا کرد، نباید به خاطر هیچ کدام از مشکلات زندگی به خود اجازه دهند که فرزند دل‌بندشان را به قتل برسانند. در اینجا همان طور که هرکس برای مراقبت از فرزند ۲-۳ ساله خود، هر کاری از دستش بر می‌آید انجام می‌دهد و اگر نتواند او را سرپرستی کند، حاکمیت به نمایندگی بهزیستی وظیفه دارد سرپرستی را به عهده بگیرد. در اینجا هم گرچه جنین هنوز یک نیمچه انسان است، اما حق نداریم به خاطر هیچ مشکلی، او را محکوم به مرگ کنیم.

بهبان‌هایی مثل مشکلات اقتصادی، مشکلات اجتماعی و شغلی، ضعف در سرپرستی، صرف نقص جنین، ناخواسته بودن، در دوران بارداری بودن، بیماری پدر و مادر یا نزدیکان، گرفتار پدیده شوم اعتیاد بودن و ... هیچ کدام موجب مجاز شدن قتل جنین نمی‌شود. رازق جنین، خداوند

است و آیات قرآن کریم هم وقتی ما را از قتل جنین نهی فرموده، اشاره فرموده که خداوند رزقشان را می‌رساند.

شیر در پستان نهد بهر جنین سر در رحم

رازق واسع کند در رزق اگر او را کفیل^۱



عاقبت سکوت

کسانی که خون بی‌گناه اصحاب کربلا را ریختند، نه به دنیایی که می‌خواستند رسیدند و نه روی خوش دیدند. رسم جهان، همین است. کسی که به خاطر بهره‌ای دنیایی، حاضر به ارتکاب جنایت و بی‌اخلاقی می‌شود، از همان دنیا هم بهره‌ای نخواهد برد. بی‌رحمی‌هایی که کردند، فرصتی برای تبیین و شوکه شدن مردم بی‌تفاوت آن عصر هم فراهم کرد. امام سجاد (علیه السلام) در کوفه می‌فرمایند: ای مردم! آنان که مرا می‌شناسند، می‌شناسند. اما آنان که مرا نمی‌شناسند، خودم را معرفی می‌کنم. من علی بن حسین بن علی بن ابیطالب هستم. «أَنَا بِنُ مَنْ أَنْتَهَكْتَ حُرْمَتَهُ وَ سُلِّبَتْ نِعْمَتُهُ: من پسر کسی هستم که حرمتش را شکستند و نعمت‌ها را از او گرفتند.» توجه داشته باشید که همه مردم کوفه در این ماجرا مشارکت حضوری نداشتند اما همه مسئول بودند. در این ماجرای قتل جنین‌های بی‌گناه هم هرکدام از ما آبرویی، توانی داریم، باید قدمی برداریم تا مبادا روز قیامت به خاطر مشارکت در قتل، محاکمه شویم.

در ادامه، حضرت می‌فرمایند: «أَنَا ابْنُ الْمَذْبُوحِ بِشَطِّ الْفِرَاتِ مِنْ غَيْرِ ذَّحْلِ وَلَا تُرَاثٍ: من فرزند کسی هستم که او را کنار شط فرات، بی آنکه از او خونی طلب داشته باشند، گلو بریدند.» «أَنَا بِنُ مَنْ قَتَلَ صَبْرًا وَ كَفَىٰ بَذَلِكِ فَخْرًا: من فرزند کسی هستم که با زجر کشته شد



و همین نسبت با او، برای ما کافی است»^۱
خداوند نگذاشت آب خوش از گلوی قاتلان پایین برود و قیامت هم
گرفتار خواهند بود.
و سیعلم الذین ظلموا أیَّ منقلب ینقلبون.





بسم الله الرحمن الرحيم کتابنامه

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر - بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ق.

ابومخنف، لوط بن یحیی، مقتل الحسین ابی مخنف، تصحیح و ترجمه حجت الله جودکی، قم، انتشارات خیمه، ۱۳۹۳.

اجوبه الاستفتاءات حضرت آیت الله خامنه ای، بخش سقط جنین، مرور ۵ فروردین ۱۴۰۲، پیوند اینترنتی: <https://www.leader.ir/fa/book?sn=۴۵۵۲>.

اعتصامی، پروین، دیوان پروین اعتصامی، تهران: پرنیان، ۱۳۷۹.

انوری، پرویز بابایی، دیوان انوری، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۴.

پایگاه اینترنتی worldometers، صفحه abortion، پیوند: www.worldometers.info

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، ۱ جلد، دارالکتاب الإسلامی - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.

سید بن طاووس، ترجمه و متن کامل لهوف علی قتل الطفوف، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۹.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

علوی، محمد بن علی بن الحسین، المناقب (للعلوی) / کتاب العتیق، ۱ جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۸ ق.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۲۶ جلد، کتابخانه امام





أمیر المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.

کاشانی، بهداروند، دیوان محتشم کاشانی، تهران: کتابراه، ۱۳۹۰.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.







سازمان تبلیغات اسلامی
ستاد خانوادگی جمعیت

